

# انفجار جمعیت، دشواری تحصیل و افزایش عدۀ بیکاران

نوشته حسین نجابتیان  
کارشناس آمارهای جمعیتی

در برنامه‌ریزی‌های توسعه، جمعیت دو نقش کاملاً متفاوت دارد: از یک دیدگاه، جمعیت به عنوان مهم‌ترین نیروی مولد، در تعدادی از بخشهای اقتصادی نقشی مثبت دارد و از عوامل مهم توسعه محسوب می‌شود. در این بخشهای اقتصادی که تولید کالا یا خدمات مورد نظر بستگی زیادی به نیروی انسانی دارد، مثل بخش خدمات عمومی و دفاع یا بسیاری از رشته‌های صنعت و معدن، افزایش تعداد جمعیت هر



زادگان  
۱۳۰۰  
۱۳۰۱  
۱۳۰۲

چند تقاضا برای کالاها یا خدمات را افزایش می‌دهد، ولی در عین حال، خود موجب افزایش بالقوه امکانات تولید نیز می‌شود. اما در نقطه مقابل، در بسیاری از بخشهای اقتصادی، با پیشرفت تکنولوژی، ماشین شدن بسیاری از کارها و جایگزینی انواع مختلف ماشین به جای نیروی انسانی، میزان نیاز به نیروی انسانی با سرعت کاهش می‌یابد و نقش جمعیت به عنوان مصرف‌کننده نهایی کالاها یا خدمات، هر روز برجسته‌تر می‌شود. در ایجاد تعادل بین دو نقش متمایزی که برای جمعیت بر شمرده شده، به ویژه توجه به دو نکته مهم نیز ضروری است:

۱- همراه با پیشرفت تکنولوژی و ایجاد سرعت در روابط اجتماعی، مرتباً نیازهای مصرفی هر فرد افزایش می‌یابد. و بنابراین نقش جمعیت به عنوان مصرف‌کننده، هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد.

۲- هر فرد فقط در دوره معدودی از عمر خود نقش مولد دارد، در حالیکه در سراسر زندگی نقش مصرف‌کنندگی از وی جدا نخواهد شد. اگر سنین ۱۵ تا ۶۰ سالگی را سن کار و شرکت در تولید بدانیم، کلیه افرادی که سن آنان کمتر از ۱۵ یا بیشتر از ۶۰ سال است، بدون آنکه نقشی در تولید

داشته باشند، فقط مصرف‌کننده کالاها یا خدمات تولید شده توسط دیگران خواهند بود. علاوه بر این، باید توجه داشت که میزان مصرف افراد در این سنین، بیش از سنین ۱۵ تا ۶۰ سالگی است. چرا که از یک سو در سنین زیر ۱۵ سال به دلیل لزوم مراقبت‌های بهداشتی، تفریحی و آموزشی و ایجاد یا تقویت دانش و مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار، و از طرف دیگر در سنین بالای ۶۰ سالگی نیز به دلیل لزوم مراقبت و نگهداری از سالمندان، میزان مصرف آنان افزایش می‌یابد و بنابراین حجم قابل ملاحظه‌ای از تولید یا سرمایه‌هایی که برای آن لازم است، باید صرف ارائه این خدمات شود. به همین جهت است که در بسیاری از تحلیلهای جمعیتی، شاخصی به نام شاخص بار تکفل عمومی را محاسبه می‌کنند که از تقسیم تعداد افراد غیرفعال (افراد واقع در سنین زیر ۱۵ سال و بالای ۶۰ تا ۶۴ سال) به تعداد افراد فعال (افراد واقع در سنین ۱۵ تا ۶۰ تا ۶۴ سال) به دست می‌آید.

## باروری، و ترکیب سنی جمعیت

شمار جمعیت و نیز ترکیب سنی آن که بنابر آنچه گذشت، از عوامل بسیار مهم اقتصادی است، از سه عامل زاد و ولد، مرگ و میر و مهاجرت تأثیر می‌پذیرد. در بین این عوامل، زاد و ولد از ویژگیهای مهمی برخوردار است. از جمله آنکه، در مقیاس جهانی، با در کشورهایی که مهاجرت‌های بین‌المللی نقش زیادی در تغییر جمعیت آنها ندارد، زاد و ولد تنها عامل افزایش جمعیت است. به همین دلیل، مطالعه در مورد تحولات زاد و ولد و عوامل مؤثر بر آن، به ویژه در کشورهایی که بارش بسیار بالای جمعیت روبرو هستند، اهمیت و ضرورت فوق‌العاده‌ای دارد. حتی در کشور ما نیز که آثار مهاجرت‌های بین‌المللی چند سال گذشته، در تعداد ترکیب سنی و جنسی جمعیت هنوز مشهود است، زاد و ولد همچنان مهم‌ترین عامل افزایش جمعیت به شمار می‌آید.

از دیگر ویژگیهای این عامل پیوند عمیق آن با فرهنگ، آداب و رسوم و مقررات اجتماعی است که موجب می‌شود ایجاد تحول و دگرگونی در آن به سهولت و در زمانی کوتاه میسر نباشد. درون‌زا بودن این عامل از دیگر ویژگیهای قابل ملاحظه آن است. به طوری که بالا بودن زاد و ولد موجب افزایش جمعیت می‌شود و افزایش جمعیت زاد و ولد را بالا می‌برد. به عبارت دیگر هر افزایشی در زاد و ولد، زمینه‌ساز

افزایشهای بعدی آن است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که پرداختن به مسئله رشد جمعیت بدون ورود در بحث زاد و ولد در واقع کامل نخواهد بود.

در جمعیت‌شناسی، مقوله زاد و ولد و تحولات آن، تحت عنوان باروری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تغییرات سطح باروری علاوه بر اثراتی که در شمار جمعیت دارد، از مهم‌ترین مولفه‌های ساخت سنی جمعیت نیز به شمار می‌آید. بالا بودن سطح باروری در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی، موجب افزایش نسبت افراد کم سن و سال در جامعه خواهد شد و به طوری که می‌دانیم این پدیده تبعات اجتماعی-اقتصادی ویژه‌ای را که مربوط به جمعتهای جوان است، به دنبال خواهد داشت. از جمله آنکه، در چنین جوامعی علاوه بر افزایش بار تکفل عمومی، شمار افراد در حال تحصیل و نیز شمار جویندگان کار، به طور مستمر افزایش خواهد یافت و در نتیجه چنانچه برنامه‌ریزی‌های مناسبی در این زمینه به عمل نیامده باشد، شرایط تحصیل هر روز سخت‌تر خواهد شد و علاوه بر آن، میزان بیکاری مرتباً افزایش خواهد یافت. مهم‌تر از همه آنکه، افزایش مستمر زنان واقع در سنین باروری موجب افزایش موالید سالیانه و در نتیجه تشدید جوانی جمعیت خواهد شد و این دور، همچنان ادامه خواهد یافت. برعکس، چنانچه سطح باروری در طی یک دوره نسبتاً طولانی، به طور مستمر کاهش یابد، از تعداد موالید سالیانه مرتباً کاسته می‌شود و در نتیجه بتدریج شمار افراد کم سن و سال در جامعه و نیز نسبت آنان به کل جمعیت کاهش خواهد یافت. در چنین شرایطی، جمعیت به ویژگیهای سالخورده‌گی نزدیک خواهد شد، که از جمله می‌توان به کاهش نیروی انسانی و افزایش بار تکفل عمومی در جامعه اشاره کرد.

## تغییرات سطح باروری در کشور

در چند دهه اخیر، سطح باروری در کشور ما تحولات و تغییرات قابل ملاحظه‌ای داشته است. محاسباتی که بر پایه اطلاعات مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۴۵ انجام شده حکایت از آن دارد که در سالهای مزبور باروری در سطح کشور و به ویژه در نقاط روستایی، از سطح بسیار بالایی برخوردار بوده است. محاسبات مزبور میزان باروری کل را معادل ۷۷ بچه برای هر زن به دست می‌دهد. مفهوم این رقم، آن است که در سالهای مزبور، هر زن در طول

دوره باروری خود، به طور متوسط تقریباً ۸ بچه به دنیا می آورده است که البته رقم بسیار بالایی است، با چنین سطحی از باروری، با خروج هر زن از دوره باروری حداقل سه نفر جای او را خواهند گرفت و هر یک از سه نفر اخیر نیز سه نفر جایگزین خواهند داشت و این آهنگ همچنان ادامه خواهد یافت. ولی خوشبختانه طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ سطح باروری در کشور ثابت نمانده و به ویژه در نقاط شهری کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته است. چراکه محاسبات انجام شده بر پایه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ میزان باروری کل را برابر ۶/۳ بچه برای هر زن به دست می دهد و به طوری که ملاحظه می شود نسبت به سال ۱۳۴۵ نزدیک به ۲۰ درصد کاهش یافته است. این کاهش در نقاط شهری شدت بیشتری دارد و به حدود ۳۰ درصد می رسد. این تحولات حاکی از وجود زمینه‌های مناسب برای کاهش سطح باروری در کشور طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ است و نشان می دهد که

انجام شد، از این سال به بعد، سطح باروری مجدداً آهنگ نزولی یافته و در سال ۱۳۷۰ به حدود ۵/۷ بچه برای هر زن رسیده و در سالهای ۷۱ و ۷۲ به ترتیب به ۵/۳ و ۴/۹ کاهش یافته است. (به جدول شماره ۱ رجوع شود)

#### جدول ۱- تحول میزان باروری کل (T.F.R) در کشور

سال	میزان باروری کل (در هزار)
۱۳۴۵	۷/۷
۱۳۵۵	۶/۳
۱۳۶۵	۷/۱
۱۳۷۰	۵/۷
۱۳۷۱	۵/۳
۱۳۷۲	۴/۹

#### عوامل مؤثر بر تحول باروری

باروری مانند هر پدیده اجتماعی- اقتصادی دیگر

بررسیهای آماری نشان داده است که باسواد زنان بر تمایلات و عقاید آنان تأثیر بسیاری دارد و متوسط تعداد فرزندان نزد زنان باسواد کمتر از رقم متناظر نزد زنان بیسواد است. هم از این روست که افزایش باسواد زنان (به ویژه زنان واقع در سنین باروری) را یکی از عوامل مهم و مؤثر در کاهش سطح باروری می دانند. این عامل بسیار مهم در سالهای اخیر تحول قابل ملاحظه‌ای یافته است. میزان باسواد زنان که در سال ۱۳۵۵ فقط ۳۵/۵ درصد بوده است، در سال ۱۳۶۵ به ۵۲/۱ درصد و در سال ۱۳۷۰ به ۶۷/۲ درصد رسیده است. تحول این میزان نزد زنان واقع در سنین مؤثر باروری (زنان ۱۵-۳۴ ساله) آهنگ سریع تری دارد. در سال ۱۳۵۵ فقط ۲۸/۵ درصد از زنان ۱۵-۳۴ ساله کشور باسواد بوده اند.

این میزان در سال ۱۳۶۵ به ۵۶/۷ درصد و در سال ۱۳۷۰ به ۷۲/۶ درصد افزایش یافته است. این ارقام علاوه بر آنکه نشاندهنده افزایش باسواد زنان است، وجود زمینه‌های مناسب برای افزایش آن در آینده را نیز

نویسد می دهد.

بی‌مناسبت نیست که در اینجا اشاره‌ای نیز به پوشش تحصیلی زنان به عمل آید؛ به طوری که گذشت، بالا بودن سطح باروری که موجب افزایش تعداد افراد کم سن و سال می شود، ایجاد پوشش کامل تحصیلی را دچار اشکال می سازد. نمودی از این نظریه در نتایج آمارگیری سال ۱۳۷۰ کشور به روشنی مشهود است. مطابق نتایج این آمارگیری، از ۷۱۶۶۰۲۳ نفر زنان لازم التعلیم (۶-۱۴ ساله) فقط ۶۰۵۵۶۸۶ در حال تحصیل بوده اند. به عبارت



جمعیت کشور طی ۱۰ سال مزبور تحولی اساسی را شروع کرده و در جهت کاهش رشد جمعیت حرکت کرده است. ولی این روند کاهنده سطح باروری دیری نپاییده و حتی تا سال ۱۳۶۵ نیز ادامه نیافته است. شواهد موجود حکایت از آن دارد که روند کاهنده سطح باروری که طی سالهای ۵۵-۴۵ شروع شده بود در آغاز دوره ۱۰ ساله ۵۵-۶۵ تغییر

دیگر از هر ۱۰۰ نفر زن لازم التعلیم ۸۲ نفر تحت پوشش تحصیلات ابتدایی و راهنمایی قرار گرفته و ۱۶ نفر از آنان موفق به اتمام دوره راهنمایی نشده اند. بدتر از این، آن است که از زنان ۶-۹ ساله نیز، بیش از ۱۰ درصد موفق به ادامه تحصیل نشده اند و نزدیک به ۷ درصد از آنان اصولاً شانس ورود به مدرسه را نداشته اند. این همه، در حالی است که سهم آموزش و پرورش در بودجه دولت، رقم بسیار قابل ملاحظه‌ای بوده که نظیر آن در هیچیک از کشورهای منطقه وجود نداشته است. این مشکلات آثاری است که از بالا بودن سطح باروری جمعیت کشور در سالهای دهه ۶۰ هجری شمسی ناشی شده است. ب- اشتغال زنان در بخشهای مختلف اقتصادی. اشتغال زنان نیز از جمله پدیده‌هایی است که با سطح

از عوامل بسیاری تأثیر می پذیرد و خود بر عوامل بسیار دیگری تأثیر می گذارد. هر چند قصد پرداختن به جزئیات هر یک از این عوامل را نداریم، ولی در عین حال بی‌مناسبت نیست که به پاره‌ای از مهم ترین عوامل مزبور اشاره شود. این عوامل عبارتند از:

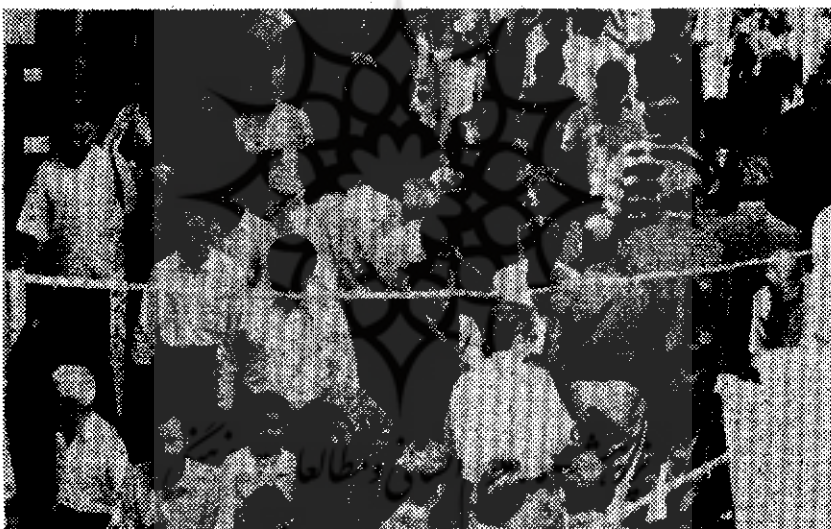
الف- کاهش میزان مرگ و میر کودکان. میزان مرگ و میر کودکان که در سالهای اخیر با آهنگ سریعی کاهش یافته و در سال ۱۳۷۰ به حدود ۶۰ در هزار رسیده، موجب شده است که انگیزه نسبتاً شدیدی در بین خانوارها در جهت محدودتر کردن مقدار موالید به وجود آید. این انگیزه در برخورد با افزایش شدید هزینه‌های گوناگون مربوط به اطفال، تشدید شده است. ب- افزایش باسواد زنان. تجربیات و

جهت داده است. براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ میزان باروری کل در آن سال برابر ۷/۱ به دست می آید که در مقایسه با رقم متناظر در سال ۱۳۵۵، افزایش قابل توجهی را نشان می دهد. در این دوره نیز شدت تغییر در نقاط شهری بیش از نقاط روستایی است. به طوری که میزان باروری کل در نقاط شهری که در سال ۱۳۵۵ برابر ۴/۴ بچه برای هر زن برآورد شده بود در سال ۱۳۶۵ به ۵/۱ بچه برای هر زن رسید و هرچند هنوز با رقم مربوط به سال ۱۳۴۵ فاصله دارد ولی از افزایش نزدیک به ۱۶ درصد طی ۱۰ سال برخوردار است. خوشبختانه با اقدامات همه جانبه‌ای که بعد از انتشار نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵

# ما هنوز از گرداب رشد فوق العاده جمعیت نجات نیافته ایم

۳ بچه برسد و میزان خام مولید تا ۲۶/۴ در هزار کاهش کند، به دلیل پیش گفته، تعداد متولدین سالانه کاهش پیدا نخواهد کرد. این رقم تا سال ۱۳۹۰ همچنان آهنگی افزایش خواهد داشت. به طوری که بر پایه پیش بینی های انجام شده، تنها در دوره پنجساله ۸۵ - ۹۰ بیش از ۱۲/۵ میلیون (به طور متوسط ۲/۵ میلیون نوزاد در هر سال) به دنیا خواهد آمد. ۲/۵ میلیون نوزاد در سال، یعنی سالانه حدود یک میلیون نوزاد بیش از آنچه که در حال حاضر در هر سال متولد می شوند. برای آنکه شرایط زندگی این کودکان در سطح فعلی باقی بماند، کلیه امکانات و ظرفیتهای کشور در ارتباط با بهداشت، تغذیه کودکان، امکانات تحصیلی و فرصتهای شغلی باید حدود ۷۵ درصد افزایش پیدا کند. در غیر این صورت، علاوه بر افزایش بیماریهای ناشی از سوء مراقبت و تغذیه کودکان، تعداد افراد بی سواد نیز در جامعه افزایش خواهد یافت و بیکاران جویای کار فعلی به شدت فزونی خواهد گرفت و تبعات اجتماعی

ناشی از بیکاری جوانان مشکلات اجتماعی جدیدی را موجب خواهد شد. علاوه بر همه این مسائل نباید فراموش کرد که همین تعداد متولدین گرداب جدیدی است که وقتی نسلهای جمعیتی آن به سنین باروری برسد گرداب دیگری را به وجود خواهد آورد. و این موج همچنان ادامه خواهد یافت و این افزایشهای مقطعی در تعداد مولید کشور، چندین بار اتفاق خواهد افتاد. ولی چنانچه کاهش سطح مولید همچنان ادامه یابد، می توان انتظار داشت که در دو دهه آینده به تدریج کاهش یابد و موج حاصل از آن مستهلک شود. تنها در آن شرایط است که تعداد مولید سالانه در سطح ثابتی قرار خواهد گرفت.



کاهنده تعداد افراد صفر ساله در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ صحت این نظریه را نشان می دهد. ولی باید توجه داشت که کشور ما هنوز از گرداب رشد فوق العاده جمعیت در سالهای ۵۵ - ۶۵ رهایی نیافته است. در سالهای مزبور که سطح باروری بسیار بالا بوده است، هر ساله تعداد زیادی نوزاد به دنیا آمده اند. متولدین سالهای مزبور موجب شدند که تقاضا برای وسایل و خدمات بهداشت کودکان، تغذیه کودکان، محل نگهداری کودکان (مهد کودک) و سرانجام تقاضا برای تحصیلات ابتدایی در جامعه به شدت افزایش یابد. فشار اقتصادی ناشی از این پدیده را همه تجربه کرده و شاهد

باروری همبستگی بسیار قوی و معکوس دارد. میزان اشتغال زنان ۱۵ - ۴۹ ساله که در سال ۱۳۶۵ ۷/۶ درصد بوده است در سال ۱۳۷۰ به ۸/۷ درصد رسیده و انتظار می رود که در سالهای آتی نیز - حتی با سرمتی بیش از این - افزایش یابد.

ت- افزایش سن ازدواج. بالا رفتن متوسط سن ازدواج، موجب کاهش عمومیت ازدواج و در نتیجه کاهش تعداد زنان ازدواج کرده در کشور خواهد شد. روشن است که در جامعه های نظیر کشور ما با کاهش زنان ازدواج کرده، تعداد مولید نیز کاهش خواهد یافت. محاسباتی که انجام شده نشان می دهد که سن ازدواج

زنان در سال ۱۳۵۵ برابر ۱۹/۷ سال بوده است. به عبارت دیگر در بین زنانی که تا آن مقطع زمانی ازدواج کرده بوده اند، میانگین سنی در هنگام ازدواج ۱۹/۷ سال بوده است. این رقم در سال ۱۳۶۵ به ۱۹/۹ سال می رسد و تا سال ۱۳۷۰ با آهنگ سریعتری افزایش یافته و به ۲۰/۸ سال بالغ می شود. این پدیده موجب شده است که درصد زنان دارای همسر از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۲ کاهش چشم گیری داشته باشد و از حدود ۸۱ درصد به ۵۰ درصد برسد. این تغییرات،

اهم از آنکه آگاهانه بوده یا ناشی از شرایط اقتصادی جامعه باشد، و نیز اهم از اینکه دارای ارزشهای اجتماعی مثبت یا منفی باشد، به هر حال در کاهش سطح باروری مؤثر بوده است.

## شرايطه بين سطح باروري و تعداد موليد

به طوری که گذشت، طی سالهای اخیر، سطح باروری در کشور روند نزولی داشته است. علاوه بر این، مشاهده شده که تغییرات مربوط به عوامل مؤثر بر سطح باروری به گونه ای است که کاهش سطح باروری در سالهای آتی نیز همچنان ادامه خواهد یافت. مطابق آنچه که در مورد تأثیر سطح باروری بر ترکیب سنی جمعیت گفته شد، کاهش مداوم سطح باروری موجب کم شدن نسبت افراد کم سن و سال در جامعه خواهد شد. روند

بوده ایم. ولی گردایی که از آن نام برده شد مطلب دیگری است. همین نسلهای جمعیتی (متولدین سالهای ۵۵-۶۵) در سالهای ۷۵ - ۸۵ به دوره باروری خواهند رسید. با فرض اینکه کاهش سطح باروری همچنان ادامه یابد و پذیریم که هر یک از زنان مزبور حداکثر دارای ۳ تا ۴ فرزند باشند، به سهولت مشاهده می شود که از تعداد ۱۳ میلیون نفر جمعیت زنان مزبور، بیش از ۲۵ میلیون تولد نتیجه خواهد شد.

بنابراین باید انتظار داشت که در آینده نزدیکی سیر نزولی تعداد مولید هوش شود و متولدین سالانه شروع به افزایش کند. بدین لحاظ لازم است از هم اکنون در فکر تغذیه، بهداشت و تحصیل این خیل عظیم باشیم. در خوشبینانه ترین برآوردها، یعنی با فرض اینکه در سال ۱۳۹۵ متوسط تعداد فرزندان هر زن در طول باروری، به

## منابع و مآخذ مورد استفاده

- ۱- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهر ماه ۱۳۶۵، تالیف فصلی کل کشور، نشریه شماره ۶ سال ۱۳۶۶
- ۲- مرکز آمار ایران، آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰، تالیف عمومی، کل کشور نشریه شماره ۲۵ - ۱ سال ۱۳۷۲.
- ۳- مرکز آمار ایران تالیف سرشماریهای سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ - کل کشور
- 4- Population and Development Review, volume 17, Number 4, December 1991, population council